

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده ارائه رابطه نرخ فرزندآوری و نرخ طلاق در ایران

جمعیت و تحولات کمی و کیفی آن و تاثیرات متقابل آن در مولفه های تشکیل، اقتدار و بقای تمدن های بشری از دیرباز مورد توجه و مذاقه نخبگان و حاکمان بوده است و در طول تاریخ بسیاری از نظریه پردازان، جمعیت را مهم ترین مؤلفه اقتدار اجتماعی و نیروی محرکه جوامع بشری می دانند. ادیان آسمانی، فرق، نحل و مکاتب بشری نیز در باب تحولات جمعیتی جوامع بشری واجد راهبرد و نگاه کلان بلند مدت بوده اند که آموزه های مشوق ازدواج، فرزندآوری و تکثیر نسل در شریعت نورانی اسلام نیز گویای همین دیدگاه راهبردی است. تحولات کمی و کیفی در عصر کنونی و در صحنه تقابل آشکار دو مکتب توحیدی اسلام و مکتب بشرساخته اومانسیسم نیز نقش تعیین کننده ای یافته است که در مطالعات تمدنی به عنوان یک پیشران قدرتمند اجتماعی به شکل پژوهش های جامع و تخصصی جامعه شناسانه مورد مذاقه و مطالعه قرار گرفته است.

بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی در مغرب زمین که به تولد مدرنیته و تغییر بنیادین سبک زندگی و نگرش بشر به حیات مبدل گشت و بدین وسیله کلیه ابعاد زندگی انسان متأثر از فضای نوین به وجود آمده، دگرگون شد. از جمله مهم ترین مفاهیم دگرگون شده در سبک زندگی جدید بشر غربی؛ خانواده، ازدواج، روابط جنسی و الگوی فرزندآوری است که در مطالعات اجتماعی با عناوینی مثل؛ دگرگونی سبک زندگی، انقلاب خانوادگی و انقلاب جنسی از آنها یاد می شود.

به دنبال رسیدن امواج مدرنیته و مولفه های سبک زندگی نوین انسان غربی به جوامع دیگر جهان، سیر تغییرات الگوی فرزندآوری انسان شرقی نیز آغاز گردید که در ادامه با اجرای ابرپروژه های مهندسی اجتماعی جهان و طرح های نظام سلطه برای کنترل جمعیت جهان و خصوصاً تمدن رقیب غرب در شرق عالم، این تحولات جمعیتی در جوامع شرقی سرعت و عمق بیشتری یافت. گستره تحولات جمعیتی بسیاری از نهادهای اجتماعی را تحت تاثیر قرار داد که نهاد خانواده و متغیرهایی همچون ازدواج و طلاق از جمله مولفه هایی هستند که دچار دگرگونی های اساسی گشته اند.

با اجرای غیرکارشناسانه برنامه جامع کنترل جمعیت و قانون تنظیم خانواده که از میانه دهه شصت در کشور در دستور کار قرار گرفت، نرخ رشد جمعیت کشور از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به کمتر از یک درصد در سال ۱۳۹۸ تنزل پیدا کرد و نرخ باروری از ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۱/۷ فرزند در سال ۱۳۹۸ سقوط کرد. این کاهش سریع و بی نظیر نرخ باروری در ایران اسلامی پیامدهای گسترده ای در پی داشته است که از مهم ترین آنها می توان به پیامدهای پیچیده و شبکه ای اجتماعی اشاره کرد.

از جمله اصلی ترین مصادیق پیامدها و آسیب های اجتماعی برآمده از کاهش نرخ رشد جمعیت (YGR)، سقوط نرخ فرزندآوری (TFR) و رواج الگوی بی فرزندی و تک فرزندی در جامعه ایران می توان به کاهش بعد خانوار، دگرگونی ساختاری نهاد خانواده و روابط خانوادگی اشاره نمود که منجر به تضعیف و گسست روابط عاطفی بین اعضای خانواده و به ویژه همسران شده است. افزایش محسوس نرخ طلاق در سال های آغازین زندگی که معمولاً بصورت توافقی انجام می شود و فراتر از آن تشدید گسترده پدیده طلاق عاطفی، متغیری است که به شدت از دگرگونی الگوی فرزندآوری، کاهش نرخ رشد جمعیت (YGR) و نرخ باروری (TFR) متأثر شده اند.